

سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا

علیرضا رضائی^۱ - قاسم ترابی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۲

تاریخ تصویب: ۹۲/۶/۲۵

چکیده

سیاست خارجی دولت یازدهم بر چه اصول و محورهایی استوار است؟ این محورها و اصول با کدام الگوی سیاست خارجی نزدیکی بیشتری دارند؟ در پاسخ به این سوالات فرضیه زیر مطرح می‌شود که با توجه به تجربه حضور آقای روحانی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی، مقالات، کتب و همچنین سخنرانی‌ها و مناظرات ایشان طی مبارزات انتخاباتی، می‌توان سیاست خارجی دولت یازدهم را تحت عنوان «تعامل سازنده با جهان در چارچوب دولت توسعه‌گرا» مورد بحث قرار داد. این سیاست خارجی به دنبال آنست که از طریق تنش‌زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی‌شدن، بهبود چهره و پرستیژ ایران، دیپلماسی فعال و روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، زمینه را برای رشد و توسعه

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. IR.Alirezarezaei@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. Torabi@merc.ir

اقتصادی کشور در چارچوب اسناد بالادستی مهیا سازد. به باور آقای روحانی سیاست خارجی چند سال گذشته با تنش‌زایی و تندروی، عملاً ایران را وارد فاز امنیتی نموده و زمینه را برای تحقق رشد و توسعه همه‌جانبه کشور کاهش داده است. در نتیجه برای بازگرداندن کشور به مسیر تعریف شده توسط اسناد بالادستی، همچون چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، می‌بایست دولتی توسعه‌گرا قدرت را در دست داشته باشد؛ دولتی که اصول تعامل سازنده با جهان را سرلوحه کار خود قرار دهد و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی مهیا سازد. با توجه به این موضوعات، هدف مقاله حاضر بررسی سیاست خارجی آقای روحانی بر اساس ایده تعامل سازنده با جهان و الگوی دولت توسعه‌گرا به روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: دولت یازدهم، دولت توسعه‌گرا، تعامل سازنده، اعتمادسازی، تنش‌زدایی.

مقدمه

سیاست خارجی دولت یازدهم بر چه اصول و محورهایی استوار خواهد بود؟ این محورها و اصول با کدام الگوی سیاست خارجی نزدیکی بیشتری دارند؟ این‌ها مهم‌ترین سؤالاتی هستند که مقاله حاضر با هدف پاسخ‌گویی به آنها نوشته می‌شود. برای پاسخ به این سؤالات، می‌بایست به تجربه آقای روحانی در عرصه سیاست خارجی و به ویژه در دورانی که ایشان به عنوان دبیر شورای امنیت ملی نماینده ایران در مذاکرات هسته‌ای بودند، مراجعه نمود. همچنین آقای روحانی طی چند سال گذشته در «مرکز تحقیقات استراتژیک» حضور داشته‌اند و زیر نظر و یا توسط ایشان آثاری در زمینه سیاست خارجی چاپ شده است که کم‌وبیش با مطالعه آنها می‌توان با اصول و محورهای سیاست خارجی دولت یازدهم آشنا

شد. در نهایت آقای روحانی در جریان مبارزات انتخاباتی موفق خود، بخش اعظم تمرکزش را بر انتقادات گسترده، علمی و موشکافانه بر سیاست خارجی دولت پیشین گذاشتند، و سیاست خارجی تنش‌زا و تهاجمی را مسئول اصلی بخش اعظم مشکلات کشور در بیشتر حوزه‌ها به ویژه در عرصه اقتصادی معرفی نمودند.

در این راستا ایشان ضمن تاکید و تمرکز بر سیاست خارجی، اصول و محورهای سیاست خارجی دولت خود را در چارچوب «تعامل سازنده با جهان» معرفی نمودند و از آن به عنوان کلیدی برای حل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور یاد کردند. اصول و محورهای ایده تعامل سازنده با جهان شامل محورهای همچون دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان، به خصوص با کشورهای همسایه و در صورت وجود شرایط منطقی مذاکره دوجانبه و از موضع احترام متقابل با آمریکا می‌شود. در نهایت به باور آقای روحانی هدف نهایی همه این موارد از بین بردن شرایط کنونی در عرصه سیاسی-امنیتی و فراهم نمودن فضا برای رشد و توسعه اقتصادی کشور در چارچوب اسناد بالادستی و به خصوص چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است. بر این اساس آقای روحانی وظیفه اصلی دولت در عرصه سیاست خارجی را فراهم نمودن شرایط برای رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه افزایش قدرت سخت و نرم در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌دانند. به باور ایشان در نهایت این امر می‌تواند باعث ایجاد الگوی سیاسی و اقتصادی مناسبی در کشور گردد که دیگر کشورها نیز متمایل به الگوبرداری از آن خواهند شد.

با این شرایط می‌توان گفت سیاست خارجی آقای روحانی که می‌توان آن را در قالب تعامل سازنده با جهان تثوریزه کرد، بیشتر همخوانی را با ایده «دولت توسعه‌گرا»^۱ دارد. ایده دولت توسعه‌گرا بدین معناست که دولت در عرصه سیاست خارجی می‌بایست تمامی تلاش خود را برای ایجاد زمینه و انگیزه برای رشد و توسعه اقتصادی مهیا سازد. به عبارت دیگر دولت موفق دولتی است که به عنوان جاده‌صاف‌کن رشد و توسعه اقتصادی کشور عمل می‌کند و فضا را برای اقتصادی شدن و اقتصادی دیدن و در نتیجه تعامل با جهان، جذب سرمایه‌ها و تکنولوژی‌های بین‌المللی مهیا می‌سازد. در این زمینه می‌توان به تجربه کشورهای همچون چین و کره و تا اندازه‌ای ترکیه اشاره نمود که عملاً به عنوان موفق‌ترین دولت‌های توسعه‌گرا در عرصه جهانی شناخته می‌شوند (Fritz, 2006: 15-25).

بر این اساس در پاسخ به سوالات مذکور این ایده و فرضیه مطرح می‌شود که سیاست خارجی دولت یازدهم بر اصول و محورهای ایده تعامل سازنده با جهان قرار دارد. ایده‌ای که بیشترین همخوانی و همراهی را با اصول و محورهای دولت توسعه‌گرا دارد. برای بحث بیشتر در این زمینه، مقاله حاضر مشتمل بر سه بخش است. در بخش اول اصول و محورها و سرمنشاء طرح ایده دولت توسعه‌گرا، به عنوان بخش نظری مطرح می‌شود. در این بخش بحثی در ارتباط با نظریه سازه‌انگاری مطرح خواهد شد که بر اساس آن بخش مهمی از تلاش‌های دولت‌های توسعه‌گرا می‌بایست در راستای نشان دادن هویتی صلح‌طلب و توسعه‌گرا در عرصه جهانی قرار گیرد. در بخش بعدی تلاش می‌شود تا مفهوم دقیق ایده تعامل سازنده با جهان از زبان آقای روحانی مشخص شود. در این

1. Developmental State

بخش محورهای این ایده به شکل مفصل مورد بحث قرار می‌گیرد تا نشان داده شود ایده تعامل سازنده با جهان چگونه در قالب و چارچوب دولت توسعه‌گرا قابل تجزیه و تحلیل و تئوریزه‌شدن است. در نهایت در بخش آخر جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱- چارچوب نظری

در این بخش دو مسئله مورد توجه است. اول ارتباط نظری بین سیاست خارجی و توسعه و دوم مسئله هویت از دیدگاه نظریه‌سازهانگاری مطرح می‌شود. در ارتباط با مسئله اول یعنی ربط بین سیاست خارجی و توسعه، باید اشاره نمود که با توجه به تحولاتی که در حال حاضر و تحت شرایط جهانی شدن صورت گرفته است، ربط وثیقی بین توسعه و سیاست خارجی و به‌طور کلی سیاست و اقتصاد وجود دارد (Balaam, 1996: 8-12). در گذشته به‌ویژه در دهه ۶۰ با توجه به این که نظریه‌های توسعه تأکیدی خاص بر روی سیاست‌های درون‌نگر و جایگزینی واردات داشتند، نیاز کمتری به ارتباط بین سیاست خارجی و بحث توسعه وجود داشت، چرا که نیاز چندانی نبود تا در زمینه اقتصادی کشور با سایرین ارتباطات گسترده‌ای داشته باشد. اصولاً در چارچوب سیاست‌های جایگزینی واردات بازار داخلی مد نظر بود و کالا برای فروش در بازار داخلی تولید می‌شد. ضمن این که سعی می‌شد تا سرمایه‌ها و تکنولوژی‌های لازم از داخل تأمین شود. در این زمینه حتی دیدی بسیار منفی نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود داشت (لارسون، ۱۳۹۰: ۲۸۳-۳۰۹).

اما از اواخر دهه ۷۰ و بویژه با موفقیت کشورهای چین، کره، تایوان و هنگ‌کنگ در زمینه استراتژی توسعه صادرات و در نتیجه تعامل گسترده با جهان

خارج و سایر کشورها، مسئله پیوند بین سیاست‌خارجی و توسعه مطرح شد، چرا که کشورها برای رسیدن به توسعه براساس اصول استراتژی توسعه صادرات و سیاست‌های برون‌گرا نیازمند سیاست‌خارجی ملازم و در خدمت توسعه و یا به عبارت دیگر «سیاست‌خارجی توسعه‌گرا» هستند. بر این اساس امروزه دیگر تردیدی در این زمینه نیست که بدون برون‌گرایی و تعامل با سایر کشورها توسعه رخ نخواهد داد. کار و تعامل با سایرین هم نیازمند یک سیاست‌خارجی با ویژگی‌های خاص است که خود برآمده از شکل خاصی از هویت نظام‌سیاسی می‌باشد (Amsden, 1989:12).

مسئله دیگر این که سیاست‌خارجی تابع هویت نظام‌سیاسی است. بدین معنا که یک سیاست‌خارجی توسعه‌گرا نیازمند و یا برآمده از هویت خاصی از نظام سیاسی است. اگر بخواهیم این مسئله را براساس تئوری‌های روابط بین‌الملل شرح دهیم، سازه‌انگاری بهترین دیدگاهی است که می‌تواند رابطه بین هویت و سیاست‌خارجی را تبیین کند. در چارچوب تئوری‌هایی کلاسیک به‌ویژه خردگرایانی چون «رئالیست‌ها»^۱ و «لیبرالیست‌ها»^۲، اینگونه تصور می‌شود که هویت امری ثابت است که قابلیت تغییر ندارد. در این راستا هویت امری ماقبل اجتماعی در نظر گرفته می‌شد که در تعاملات اجتماعی و بین‌المللی تغییری در آن رخ نمی‌دهد. بر این اساس منافع ملی نیز ثابت تعریف می‌شد و در نتیجه سیاست‌خارجی نیز براساس یک‌سری اصول ثابت قرار می‌گرفت (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۱۱۳).

اما درست برعکس این دیدگاه، در چارچوب نظریه سازه‌انگاری، هویت به‌شکلی اجتماعی و در حال تحول تعریف می‌شود که قابلیت تغییر و تحول در

1. Realism

2. Liberalism

نتیجه تعامل برای آن قابل تصور است. «الکساندر ونت»^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «آنارش‌پسندی چیست که دولت‌ها خود می‌سازند» (Wendt, 1992: 391-425)، به شکلی مبسوط به این مسئله پرداخته و نشان داده که هویت کشورها امری بر ساخته و قابل تغییر است. بنابراین اگر هدف یک کشور توسعه، بالابردن امنیت یا هر هدف دیگر باشد، باید هویت خود را به شکلی تعریف کند که در راستای رسیدن به آن هدف باشد. به عبارت دیگر با هر هویتی نمی‌توان به توسعه اقتصادی دست یافت (هادیان، ۱۳۸۴: ۹۴۹ - ۹۱۵). به عنوان مثال، در این زمینه می‌توان به تجربه کره شمالی و جنوبی اشاره نمود. کره شمالی با تعریف خود به عنوان کشوری غیرمسئول و انجام اقدامات تهدیدزا، علی‌رغم آن که بخش اعظم منابع طبیعی و انسانی دو کره را در اختیار داشته و دارد، امروزه با مشکل تامین ساده‌ترین نیازهای اولیه شهروندان خود مواجه می‌باشد. در مقابل کره جنوبی با تعریفی دیگر از هویت و با نشان دادن خود به عنوان کشوری مسئول که توسعه اقتصادی آن برای سایرین خطری محسوب نمی‌شود، توانسته بخشی از بازارهای جهانی را به خود اختصاص دهد و سرنوشت بسیار متفاوتی از همسایه شمالی برای شهروندانش رقم بزند (Woo, 1991: 18). در این زمینه می‌توان مثال‌های متعدد دیگری مطرح کرد تا نشان داده شود که چگونه شکل هویت یک کشور عاملی تسریع‌دهنده در فرایند توسعه بوده و یا این که به عنوان مانع مهمی در این مسیر عمل کرده است (Wong, 2004: 345-362). با توجه به این مباحث در ادامه بر اساس تجربیات کشورهای همچون کره، چین و تایوان و همچنین ادبیات نظری موجود، الزامات و اصول سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا مورد بحث قرار می‌گیرد.

1. Alexander Wendt

۲- الزامات و اصول سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا

سیاست خارجی توسعه‌گرا دارای یک سری اصول و الزاماتی می‌باشد که از طریق آنها راه را برای رسیدن به توسعه هموار می‌شود. این اصول و الزامات شامل بهبود چهره و تصویر، کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی، دوری از درگیری‌ها و تنش‌زدایی، تحول‌هویت‌ی و اجماع‌نخبگان، اعتمادسازی در عرصه بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیزی باشد. تک‌تک موارد یادشده نقش مهمی را در ایجاد زمینه توسعه فراهم می‌کنند که این امر را می‌توان از طریق تجربه سایر کشورها به شکل عینی مشاهده کرد. به عنوان مثال کشورهای چون عراق و کره شمالی و بسیاری از کشورهای آفریقایی از جمله کشورهای بودند که درست برعکس الزامات و اصول سیاست خارجی توسعه‌گرا عمل کردند و نتایج مصیبت‌باری برای خود و مردمشان رقم زدند (Mkandawire, 1998: 11-18)؛ اما کشورهای چون آلمان و ژاپن بعد از جنگ جهانی و کره، هنگ‌کنگ، تایوان و هند کشورهای هستند که با شکل‌دهی به هویتی مسئول در عرصه جهانی و در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا، موفقیت‌های عظیمی به دست آوردند (Öniş, 1991: 109-126). در حال حاضر ژاپن و آلمان به همراه آمریکا سه اقتصاد برتر جهان محسوب می‌شوند. بر این اساس در ادامه هر یک از ویژگی‌های سیاست خارجی ملازم با توسعه ملی بر اساس تجربه سایر کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲-۱- بهبود چهره و تصویر

یک امر کاملاً پذیرفته‌شده در دنیای کنونی این است که برداشت از واقعیت حداقل به اندازه خود واقعیت دارای اهمیت است. به عبارت دیگر تصویری که سایرین از یک کشور دارند، حداقل به اندازه واقعیت دارای اهمیت است. در این

راستا همان‌گونه که سازه‌انگاران می‌گویند کشورها براساس برداشتی که از هم دارند، همدیگر را درک می‌نمایند و براساس همین برداشت به اتخاذ سیاست می‌پردازند (ترابی (الف)، ۱۳۸۸: ۳۸). بنابراین ارائه چهره و تصویری مثبت از کشور و تعریف آن به عنوان کشوری مسؤل و تابع قواعد و رژیم‌های بین‌المللی، می‌تواند باعث گسترش تعاملات و پذیرش آن کشور به‌عنوان یک کشور مسؤل در عرصه بین‌المللی و در نتیجه ورود گسترده تکنولوژی‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی گردد. در این راستا، ارائه تصویری مثبت از کشور باعث می‌شود که توسعه آن برای سایرین تهدید در نظر گرفته نشود. بر این اساس هرچند کشورها در زمینه توسعه با هم رقیب هستند و توسعه همدیگر را زیر نظر دارند، اما کشورهای که دارای تصویر مثبت هستند، بیشتر به‌عنوان یک رقیب در نظر گرفته می‌شوند که باید با آن رقابت نمود. این موضوع در مورد کشوری که در عرصه بین‌المللی دارای تصویری منفی است، شرایط متفاوتی دارد. کشورها در مورد اول یعنی در شرایط رقابت با همدیگر همکاری می‌کنند، اما در حالت دوم از همکاری اجتناب کرده و سعی می‌کنند مانع از توسعه کشور دشمن گردند.

۲-۲ کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی

بدون تردید اعتبار یک کشور در عرصه بین‌المللی، نقش بسیار مهمی را در توسعه آن ایفا می‌کند. البته رابطه بین توسعه و اعتبار را می‌توان دو طرفه در نظر گرفت. بدین معنا کشورهای که در عرصه بین‌المللی اعتبار بیشتری دارند، توانایی بیشتری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی‌های پیشرفته که از مهمترین عوامل در توسعه اقتصادی یک کشور محسوب می‌شوند، برخوردار می‌باشند (اسلامی، ۱۳۸۶: ۵-۸). کشور چین در این زمینه مثال بسیار خوبی

محسوب می‌شود که با جذب سالیانه بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی، گام‌های بیشتری را در زمینه توسعه اقتصادی برداشته است. در مقابل توسعه اقتصادی خود باعث افزایش اعتبار یک کشور می‌باشد. در واقع این یک امر پذیرفته‌شده است که کشورهای توسعه‌یافته یا کشورهایی که از رشد اقتصادی خوبی برخوردارند از اعتبار بیشتری بهره‌مند هستند. بنابراین یکی از مسائلی که در سیاست خارجی توسعه‌گرا باید در اولویت قرار گیرد، بحث افزایش اعتبار ملی می‌باشد (روحانی (الف)، ۱۳۸۵: ۱۱).

۲-۳ دوری از درگیری‌ها و تنش‌زدایی

تجربه تمامی کشورهایی که در امر توسعه موفق بوده‌اند، نشانگر آنست که معمولاً آنها یکی از مهمترین اولویت‌های سیاست خارجی خود را حداقل برای یک دوره چنددهه‌ای، تنش‌زدایی اعلان نموده‌اند. تجربه آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و کره جنوبی و چین نشانگر این موضوع می‌باشد. به عنوان مثال دولت چین در جهت ایجاد زمینه برای رشد و توسعه اقتصادی از استراتژی صلح با جهان صحبت نموده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱-۳). ضمن اینکه ترکیه نیز با طرح ایده «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان»^۱ توانسته است طی سال‌های گذشته موفقیت‌های بزرگی را در عرصه توسعه و رشد اقتصادی به دست آورد (Kirişçi, 2009:9). واقعیت این است که توسعه اقتصادی در شرایط منطقه‌ای آرام امکان‌پذیر است که اگر این شرایط آرام در سطح بین‌المللی نیز وجود داشته باشد، محرک بسیار مثبتی برای توسعه محسوب می‌شود. در این راستا، کشوری که در یک شرایط منطقه‌ای بی‌ثبات قرار دارد و خود با سایرین در تنش و درگیری است،

1. Policy of Zero Problems with our Neighbors

نمی‌تواند تمامی تمرکز و انرژی خود را صرف توسعه و اقتصاد نماید و معمولاً در چنین شرایطی مسائل امنیتی شرایط اقتصادی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۲-۴ همزیستی مسالمت‌آمیز

تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها، مرتبه‌ای بالاتر از تنش‌زدایی و اصول مورد تاکید جنبش عدم تعهد و منشور سازمان ملل متحد دارد. در واقع دوری از تنش و تنش‌زدایی مقدمه همزیستی مسالمت‌آمیز محسوب می‌شود. بر این اساس، تنش‌زدایی بیشتر تلاشی با هدف کاهش و مدیریت تنش و درگیری و جلوگیری از شکل‌گیری تنش و درگیری‌های جدید بین کشورهاست؛ اما همزیستی مسالمت‌آمیز شامل موارد زیر می‌گردد که دارای سطحی بالاتر از موارد قبل هستند:

- احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت سایر کشورها؛
 - عدم دخالت در امور داخلی همدیگر؛
 - پذیرش دیگران علی‌رغم اختلافات موجود؛
 - نفی هرگونه سلطه و سلطه‌پذیری؛
 - پذیرش اختلافات ایدئولوژیک به عنوان واقعیات جامعه بین‌المللی؛
 - احترام به اصول حقوق بین‌الملل در رابطه با سایر کشورها؛
 - حل و فصل اختلافات براساس اصول مسالمت‌آمیز و عدم توسل به زور
- همانطور که مشخص است، اصول همزیستی مسالمت‌آمیز تقریباً همان اصول مورد تأیید کشورها در منشور ملل متحد است. بنابراین یکی دیگر از اصول سیاست خارجی توسعه‌گرا همزیستی مسالمت‌آمیز است، چرا که براساس این

اصول و با پذیرش تکثر بین‌المللی به‌جای پیروی از الگوی تقابل و تعارض در قالب همکاری و همزیستی با سایر کشورها، منافع کشور تأمین می‌گردد.

۵-۲ اعتمادسازی در عرصه بین‌المللی

اعتمادسازی یکی دیگر از اصول سیاست‌خارجی توسعه‌گراست که می‌بایست به‌شکل موازی در کنار سایر اصول از جمله همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی و کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. ضمن اینکه بدون اعتمادسازی، سایر اصول سیاست‌خارجی توسعه‌گرا نمی‌توانند به شکلی مطلوب مورد تعقیب قرار گیرند. منظور از اعتمادسازی ایجاد شفافیت در مورد قدرت دفاعی و نظامی و نیت کشور در این حوزه‌های حساس است. واقعیت این است که کشورها همیشه نگران توان نظامی و نیت کشورهای رقیب و به‌خصوص همسایگان خود هستند و این نگرانی باعث می‌شود که کشورهای یک منطقه وارد سیکلی از نگرانی امنیتی شوند که در نهایت به رقابت تسلیحاتی و هدر رفتن توان و انرژی کشورها در امور نظامی و میلیتاریزه شدن منطقه و در نتیجه ایجاد جَوّی ضدتوسعه می‌گردد (ترابی (ب)، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۰). در این راستا، اعتمادسازی به معنای ایجاد شفافیت در امور نظامی، می‌تواند تا اندازه‌ای و نه کاملاً در کاهش نگرانی‌های امنیتی موفق باشد (Holsti, 1983:12). تلاش برای اعتمادسازی فرایندی بسیار پیچیده محسوب می‌شود. علیرغم همه اینها اعتمادسازی باید در اولویت سیاست خارجی توسعه‌گرا قرار گیرد و از طریق دیپلماسی تا جای ممکن نگرانی‌های سایر کشورها از قدرت نظامی کشور را کاست. (Wolff, 2012: 1-3).

۶-۲ تحول هویتی و اجماع نخبگان

همانطور که طی بخش‌های قبلی شرح داده شد، رشد و توسعه اقتصادی در دنیای جهانی شده امروز از طریق تعامل با سایر کشورها امکان‌پذیر است. سیاست‌های اقتصادی درون‌نگر مبتنی بر جایگزینی واردات که عمدتاً بر توان و سرمایه‌های داخلی برای تولید و بازارهای داخلی برای فروش تأکید دارد، جای خود را به سیاست‌های اقتصادی برون‌نگر که مبتنی بر تولید برای فروش در بازار جهانی می‌باشند داده است. سیاست‌های اقتصادی اخیر، گسترش تعاملات اقتصادی با سایر کشورها و ورود به رقابت جهانی را مدنظر قرار می‌دهد که پیش‌زمینه آن در اولویت قرار گرفتن یک سیاست خارجی فعال با ویژگی‌های خاص است. چنین سیاست خارجی باید بتواند تصویر مثبتی از کشور ارائه دهد، تنش‌ها و اختلافات را با سایر کشورهای منطقه و جهان حل و فصل و یا حداقل مدیریت نماید، بر اصول همزیستی مسالمت‌آمیز قرار داشته باشد و به گسترش صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی کمک نماید و در نهایت با اعتمادسازی در عرصه نظامی نگرانی‌های سایر کشورها را تا جای ممکن کاهش دهد (Wade, 2003: 8). اما پیش‌شرط در پیش گرفتن چنین سیاست خارجی که هدف آن ارائه تصویری مثبت از کشور به عنوان بازیگری مسؤل در سطح منطقه‌ای و جهانی است، اجماع گروه‌ها و احزاب مهم کشور بر روی اصول آن و یا به عبارت دیگر وارد کردن این اصول در درون هویت نظام سیاسی است. این تحول باید به شکلی صورت گیرد که فارغ از این که کدام گروه در قدرت است، همیشه در اولویت دستگاه سیاست خارجی قرار داشته باشد (روحانی (الف)، ۱۳۸۵: ۱۰). به عبارت دیگر در بازتعریف هویت باید اصول اساسی سیاست خارجی توسعه‌گرا را وارد هویت سیاسی کشور نمود.

۳- اصول و محورهای سیاست خارجی دولت یازدهم

بر اساس حضور چندین ساله آقای روحانی در عرصه سیاسی کشور، به خصوص به عنوان دبیر شورای عالی امنیتی ملی و همچنین کتب، آثار، صحبت‌ها و مواضع ایشان در طول مبارزات انتخاباتی، می‌توان کم‌وبیش اصول و مواضع سیاست خارجی دولت یازدهم را مورد بحث قرار داد. لازم به ذکر است که آقای روحانی در طول مبارزات انتخاباتی تمرکز گسترده‌ای بر سیاست خارجی کشور داشتند و با طرح موضوعات و انتقادات گسترده به سیاست خارجی دولت قبل، ریشه بخش مهمی از مشکلات کشور را در این عرصه واکاوی می‌نمودند. بر این اساس کم‌وبیش بخش مهمی از محورها و اصول سیاست خارجی ایشان روشن است. به عنوان نمونه اصولاً یکی از شعارهای ایشان بحث تعامل سازنده با جهان بود، که همین موضوع نقش مهمی در پیشی‌گرفتن ایشان در مبارزات انتخاباتی داشت. ضمن اینکه ایشان در جریان مبارزات انتخاباتی و همچنین در کتابی که از ایشان چاپ شده است، مواضعی در قبال موضوعاتی همچون توسعه کشور، بحث هسته‌ای، رابطه با کشورهای عربی، آمریکا، اروپا، چین و سایر مناطق در پیش گرفته‌اند؛ که این امر کمک فراوانی به درک سیاست خارجی دولت یازدهم می‌کند (روحانی (ب)، ۱۳۹۱: ۵-۱). عصاره و چکیده سیاست خارجی آقای روحانی در بخش‌های مختلف کتاب ایشان تحت عنوان «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» مطرح شده است. ایشان در بخش‌های مختلف کتاب در ارتباط با سیاست خارجی بیان می‌دارند:

«راهبرد کلان سیاست خارجی، تفاهم و اجماع در سطح ملی و همکاری در روابط خارجی براساس اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت و رویکرد تمام سازنده و موثر می‌باشد. این اصول همواره مورد تایید و تاکید مقام معظم رهبری بوده است. راهبرد مزبور در راستای دستیابی به اهداف چشم انداز برنامه

بیست ساله کشور، تقویت امنیت ملی، رفع تهدیدات خارجی و خنثی سازی تبلیغات در خصوص ترویج ایران هراسی در جهان و به ویژه منطقه، ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران در سطح منطقه و جامعه بین المللی و جهان در حال گذار تعریف می شود. در این راستا، سیاست خارجی سازوکاری برای تولید آثار مطلوب در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی می باشد. از جمله آثار مطلوب، کاهش تنش و خصومت ها، ساختن و تقویت ائتلاف ها و اتحادیه ها، اعتمادسازی، به حداکثر رسانی منافع مشترک و مدیریت مطلوب اختلافات طبیعی از راه کارهای شناخته شده است. دستگاه های دیپلماسی امروز دنیا جهت تحقق اهداف مذکور می باشند و یقیناً نهادهای سیاست خارجی حداکثر بهره برداری را از این راهکارها به عمل خواهند آورد»
(<http://tehranpress.com/fa/news-details/9613/>).

آقای روحانی در کتاب خود از تعامل سازنده با جهان، منافع مشترک، احترام به سایر کشورها و سازمان های بین المللی، خنثی سازی تهدیدات، بهبود چهره ایران، اعتمادسازی و در نهایت خدمت در راستای تحقق اهداف چشم انداز ایران که همان رشد و پیشرفت کشور می باشد، صحبت نموده اند. این موارد بخوبی نشان می دهد که آقای روحانی هدف نهایی دولت در عرصه سیاست خارجی را ایجاد زمینه مساعد بین المللی برای تعامل سازنده و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی ارزیابی می کنند. ایشان در قسمت دیگری بیان می دارند: «فرض نخست در هرگونه تاثیرگذاری منطقه ای و بین المللی و یا الهام بخشی موردنظر سند چشم انداز، الگوسازی داخلی است؛ تنها در صورت ایجاد یک الگوی کارآمد حکومتی می توان انتظار تاثیرگذار درازمدت و موثر را داشت»
(<http://tehranpress.com/fa/news-details/9613/>).

آقای روحانی برای تعریف دقیق تر و معین تر اصطلاح تعامل سازنده، که عصاره و چکیده سیاست خارجی ایشان است، بیان می دارند: «تعامل سازنده یک

ایده انتزاعی نیست که قابلیت پذیرش هر تفسیری را داشته باشد؛ تعامل سازنده در ذهن تعریف و تدوین کنندگان آن در سند چشم انداز بیست ساله که مورد تایید رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته، به معنای رابطه دو یا چندجانبه سازنده است که منافع همه طرف‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر در حوزه سیاست خارجی، مفهوم تعامل سازنده بازی با حاصل جمع صفر نخواهد بود. سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده و موثر اقتضا می‌کند که روندهای جهانی مورد شناسایی قرار گیرند و حوزه‌هایی که کشور در آنها از مزیت نسبی برخوردار است تعیین شوند» (<http://tehranpress.com/fa/news-details/9613/>). این روش در سیاست خارجی مستلزم تبعیت از رویکردهای همکاری‌جویانه، مشارکت‌پذیر و مبتنی بر همزیستی و رقابت می‌باشد، تا بتوان به اهدافی دست یافت که بتواند منافع ملی کشور را در حوزه‌های زیر تامین نماید:

- اعتلای منزلت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، کاهش و یا رفع تهدیدات، تامین امنیت ملی، گشودن بازارهای بسته و نیمه بسته و جذب سرمایه گذاران خارجی؛

- تثبیت دستاوردهای حاصل شده در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و بسط ظرفیت‌های لازم جهت نقش آفرینی و افزایش دستاوردها؛

- تغییر رابطه ایران با نظام بین‌المللی و تلاش دستگاه دیپلماسی برای کاهش ابهامات، به ویژه در موضوع هسته‌ای، که می‌تواند موجب کاهش فشارها و هزینه‌های سیاسی-اقتصادی سنگین برای کشور شود؛

- تلاش برای کاهش تنش با کشورهای همسایه و افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای از طریق اتخاذ یک سیاست خارجی تعاملی؛

- بهره‌گیری مناسب و به موقع از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف، شامل حفظ و دفاع از امنیت ملی، اعتبار و اقتدار ملی، استحکام داخلی، توسعه سیاسی و بسط مشارکت ملی.

- الهام بخشی الگووار؛

- اتخاذ سیاست سلطه‌گریزی؛

- ارتقاء شئون و آرمانهای جامعه اسلامی_ایرانی در حوزه بین‌الملل؛

- طراحی امنیت ملی محور و منافع ملی بنیان در عرصه سیاست خارجی؛

- محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی؛

- مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛

- سیاست خارجی تعامل‌جویانه و مبتنی بر همکاری

متقابل (<http://tehranpress.com/fa/news-details/9613/>).

همان‌طور که آشکارست، آقای روحانی زمانی که در مورد اصول و محورهای سیاست خارجی بحث می‌کنند، عملاً و آگاهانه اصول سیاست خارجی یک دولت توسعه‌گرا را مطرح می‌کنند. بر این اساس ایشان ضمن تفسیری مبتنی بر تعامل سازنده از اسناد بالادستی، همچون سند چشم‌انداز بیست ساله، هرگونه تفسیر دیگر در این زمینه را ناصواب ارزیابی می‌کنند (روحانی (د)، ۱۳۹۱: ۱۱-۲).

۳-۱ تلاش برای خروج از محور امنیتی شدن

امنیتی‌شدن فرایندی است که طی آن یک کشور بیش از آنکه به عنوان یک پدیده جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شناخته شود، عمدتاً به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی می‌گردد. چنین کشوری در عرصه بین‌المللی به عنوان یک تهدید معرفی می‌شود و سایر کشورها تلاش می‌کنند با آن حداقل رابطه و تعامل را داشته باشند. بر این اساس کشوری که عمدتاً به عنوان پدیده‌ای امنیتی و تهدیدزا

معرفی می‌شود، در تمامی زمینه‌ها به خصوص سیاسی و اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود و هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن به شدت افزایش می‌یابد (Pour-Ahmedi, Mohseni, 2012: 143-158). در این راستا، برخی بر این باورند که طی چند سال گذشته کشورهای غربی به رهبری آمریکا تلاش داشته‌اند تا ایران را به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی کنند. آنها به بهانه موفقیت‌های ایران در عرصه هسته‌ای و همچنین برخی اقدامات در عرصه سیاست خارجی، تلاش می‌کنند ایران را به عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی معرفی کنند و با طرح این موضوع عملاً زمینه را برای تحریم‌های بیشتر و بالابردن هزینه‌های ایران فراهم سازند. در این بین بعضی از اقدامات و سیاست‌های دولت قبلی نیز زمینه را برای موفقیت این طرح آماده نموده است.

در چنین فضایی آقای روحانی ضمن باور به تلاش غرب برای معرفی ایران به عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، یکی از اصول سیاست خارجی خود را تلاش همه‌جانبه برای از بین بردن این طرح معرفی نمودند. به باور آقای روحانی از طریق تعامل سازنده با جهان، اعتمادسازی، تنش‌زدایی، بهبود چهره و تصویر ایران و به خصوص از طریق کسب اعتبار، می‌توان ایران را نه به عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، بلکه به عنوان کشوری صلح‌طلب، اقتصادی و فرهنگی معرفی نمود. البته آقای روحانی در این زمینه انتقادات گسترده‌ای نسبت به دولت پیشین نیز دارند. ایشان در این زمینه بر این باور هستند که موفقیت‌های غرب در معرفی ایران به عنوان یک کشور تهدیدزا تا حدی زیادی به دلیل سیاست‌ها و اقدامات دولت پیشین است. ایشان در همین زمینه با انتقاد از سیاست‌های قبلی که زمینه را برای موفقیت سیاست امنیتی کردن چهره ایران به وسیله آمریکا مهیا کرده است، بیان می‌دارند:

«یکی از مهم‌ترین نتایج این رفتارها، تشدید امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران بوده است که بیش از همه رژیم صهیونیستی از این وضعیت سوء استفاده کرده است. بر اساس قطعنامه‌های صادر شده علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین و اصلی‌ترین تهدید صلح و امنیت بین‌المللی معرفی شده است. واقعیت این است که بهترین موقعیت برای آمریکا زمانی فراهم شد که دولت نهم با تغییر گفتمان و نادیده گرفتن ملاحظات شناخته شده سیاسی و بین‌المللی راهی رابرگزید که به تنش و رویارویی نه تنها با آمریکا که با بخش قابل توجهی از کشورها از جمله همسایگان منتهی شد»
(<http://hasanrohani-ir.blogfa.com/post/33/>).

۲-۳ نگاه متفاوت به موضوع هسته‌ای

بدون تردید، مسئله هسته‌ای یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه سیاست خارجی کشور طی یک دهه گذشته بوده است. این موضوع در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی مطرح و در دوران آقای احمدی‌نژاد ادامه پیدا کرد. مسئله هسته‌ای ایران همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی و بدون تردید مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران می‌باشد؛ در نتیجه بسیار مهم است که موضع آقای روحانی در قبال این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این راستا باید اشاره نمود که یکی از دلایل برنده شدن آقای روحانی در انتخابات، نگاه متفاوت ایشان به موضوع هسته‌ای بود. از نگاه آقای روحانی، موضوع هسته‌ای یک موضوع در کنار منافع دیگر کشور است؛ نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر. به عبارت دیگر، مسئله هسته‌ای در تعامل و کنار سایر منافع ملی ایران از جمله منافع اقتصادی و ضرورت‌های داخلی و خارجی باید لحاظ شود و طبیعتاً انتظار این است که موضوع هسته‌ای به گونه‌ای پیش برود که نه به یک

پاشنه آشیل برای فشار خارجی بر ایران، بلکه به یک مزیت ملی تبدیل شود. بر این اساس روش‌های دیپلماتیک و تجربیات موجود در کشور می‌بایست به شکلی در این حوزه به کار رود که دولت بتواند با تعامل با جهان خارج، هم حق برخورداری از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز ایران را حفظ کند و هم بهانه‌ها برای فشار و تحریم را از دست رقبای بین‌المللی خارج نماید. بنابراین موضع آقای روحانی در قبال پرونده هسته‌ای را می‌توان دفاع از حق ایران در زمینه داشتن انرژی هسته‌ای، در کنار تعامل سازنده با جهان در چارچوب شفافیت بیشتر و کامل‌تر ارزیابی نمود (روحانی (ه)، ۱۳۸۳: ۲۶-۱). آقای روحانی ضمن نقد سیاست خارجی کنونی در عرصه هسته‌ای که نتیجه اصلی آن افزایش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی است، خواهان سیاست خارجی معقول و منطقی و دیپلماسی فعال و پویا هستند. به باور ایشان ایران می‌تواند ضمن داشتن حق غنی‌سازی با دیپلماسی و شفافیت بیشتر، عملاً فشارها و تحریم‌ها را کاهش دهد.

ایشان برای تأیید این موضوع به تجربه خود به عنوان دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند: «در پرونده هسته‌ای ما بین اروپا و آمریکا فاصله انداختیم. سفیر روسیه در اجلاس شورای حکام در آذرماه سال ۸۲ (نوامبر ۲۰۰۳) وقتی که سه کشور اروپایی با آمریکا در مشاجره بودند، گفته بود که در دهه‌های اخیر چنین منظره‌ای را ندیده بودم که در یک اجلاس بین‌المللی رسمی سه کشور مهم اروپایی در یک سو آمریکا در طرف دیگر باشد». آقای روحانی در همین زمینه می‌افزایند: «باید بتوانیم اجماع جهانی قدرت‌های بزرگ علیه ایران را بشکنیم و آن فاصله‌های لازم را بین آنها به وجود آوریم و فضای تنفس ایجاد کرده و گام‌به‌گام با تحریم‌های یکجانبه و تحریم‌های بین‌المللی مقابله کنیم». به گفته آقای روحانی، برنامه وی

بعد از اقتصاد و معیشت مردم، «اصلاح روابط خارجی با دنیا است و این که ایران نباید فکر کند در دنیا دوست و دشمن‌های دائمی وجود دارد. اصل فناوری هسته‌ای جز برنامه‌های توسعه کشوری ما بوده و در چارچوب مقررات بین‌المللی صورت گرفته است و تنها بخشی که کشور را دچار مشکل کرد بخش غنی‌سازی بود که آن هم به دلیل بهانه‌های غربی‌ها و آمریکایی‌ها صورت گرفت» (سیاست خارجی دکتر حسن روحانی، ۱۳۹۲: ۱). آقای روحانی بر این باورند که می‌شود این بهانه‌گیری را از دست کشورهای غربی با عقلانیت و تدبیر خارج کرد.

۳-۳ مذاکره برابر و مبتنی بر منافع ملی با آمریکا

مذاکره با آمریکا، یکی دیگر از موضوعات مطروحه در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. البته موضوع مذاکره با آمریکا از همان زمان که روابط ایران و آمریکا به دستور رییس جمهور آمریکا قطع شد، مطرح بوده است. با این وجود این مسئله طی سال‌های گذشته، به خصوص در دروان باراک اوباما با طرح موضوع مذاکره دوجانبه، جدیت بیشتری گرفته است. از سوی دیگر مقام معظم رهبری نیز طی چند ماه گذشته فرمایشاتی در این زمینه داشته‌اند که طی آنها عدم مخالف خود را با طرح موضوع مذاکره با آمریکا مطرح نموده‌اند و عملاً فضا را برای دولت جهت انجام مذاکره آبرومندانه، منطقی و از موضوع برابر فراهم نموده‌اند. بر این اساس بحث مذاکره با آمریکا تبدیل به یکی از مباحث جدی به خصوص در جریان رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شد، که در این بین آقای روحانی یکی از مهم‌ترین حامیان مذاکره با آمریکا، البته در صورت وجود پیش شرط‌هایی بودند. ایشان پس از پیروزی در انتخابات در پاسخ به سوالی در این زمینه نکاتی را مطرح نمودند که کم‌وبیش آن را می‌توان موضوع

دولت یازدهم در باره رابطه با آمریکا ارزیابی نمود. ایشان در مورد مذاکره مستقیم یا آمریکا بیان داشتند:

«روابط ایران و آمریکا دارای زخم‌های عمیق و مزمن است. در سه دهه گذشته، مجوز مذاکره و زمینه‌سازی تجدید رابطه با آمریکا از سوی رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران داده نشده است. سخنان اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر عدم مخالفت ایشان با مذاکره با آمریکا با حفظ خطوط قرمز، زمینه جدیدی را برای دفاع از حقوق حقه ملت ایران در مواجهه دیپلماتیک مستقیم با آمریکا فراهم کرده است. در شرایط کنونی، باید شرایط فعلی را به دقت مورد ارزیابی قرار داد و در صورت اقتضا، از مذاکره و گفت‌وگوی دوجانبه با آمریکا پرهیز نکرد. در گام‌های نخست باید به مذاکره به مثابه بستری برای جلوگیری از شدت یافتن بیش از پیش فشارها و متوقف ساختن روند تحریم‌های کنونی نگریسته شود و در مراحل بعدی باید در پی تعدیل فضا تا حذف کامل تحریم‌ها پیش رفت. مذاکره به صرف مذاکره و بدون حصول نتیجه، مورد قبول من نیست. برای مذاکره با آمریکا باید دستور کار و هدف مشخص و روشنی داشته باشیم» (گزیده‌ای از گفت‌وگوی «دیپلماسی ایرانی» با حسن روحانی، ۱۳۹۲).

۳-۴ تلاش برای بهبود روابط با اروپا

تجربه آقای روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی نشان می‌دهد که ایشان اعتبار خاصی برای روابط با کشورهای اروپایی قائل هستند. اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی آقای روحانی به دلایل متعددی است. اول اینکه اصولاً اروپایی‌ها به نسبت آمریکا موضع نرم‌تری در قبال موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می‌کنند که از این موضوع می‌توان در راستای منافع ملی و ایجاد

شکاف در روابط یورآتلانتیک استفاده کرد. در این زمینه، تجربه آقای روحانی در چارچوب بحث هسته‌ای نشان می‌دهد که ایشان با آگاهی از این موضوع، به خوبی از اختلافات اروپا و آمریکا استفاده نمودند. ضمن اینکه یکی از انتقادات آقای روحانی به سیاست‌های دولت پیشین، نادیده گرفتن اروپا و عملاً نزدیک نمودن اروپا به آمریکا با توسل به سیاست تنش‌زا و تهاجمی بوده است. مسئله بعدی موضوع اقتصادی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی است. آقای روحانی با آگاهی از نیازهای کشور در حوزه اقتصادی، اتحادیه اروپا را به عنوان پدیده‌ای اقتصادی در نظر می‌گیرند که می‌تواند با اتحاد دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده، از ظرفیت‌های اقتصادی آن برای توسعه سریع ایران استفاده نمود. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا می‌تواند به روابط اقتصادی ایران تنوعی دهد و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشورها همچون چین رها سازد. همچنین بهبود روابط با کشورهای اروپایی در برداشتن تحریم‌ها موثر خواهد بود، چراکه بسیاری از محدودیت‌هایی که بر ایران اعمال می‌شود در چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست.

۳-۵ بهبود روابط با کشورهای همسایه

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در جریان مصاحبه‌های آقای روحانی تأکید فراوانی بر آن می‌شود، تلاش برای بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشورهای عربی است. آقای روحانی در این ارتباط ضمن انتقاد گسترده از سیاست دولت پیشین که روابط ایران و همسایگان را عمدتاً بر مدار تنش قرار داد و به جای آن روابط با کشورهای آمریکای لاتین را گسترش می‌داد، خواهان تمرکز و توجه بیشتر بر همسایگان است. در این زمینه ایشان ضمن ابراز تمایل

برای تداوم روابط با کشورها آمریکای لاتین، تمرکز بیش از حد بر این کشورها و در نتیجه نادیده گرفتن همسایگان را اشتباهی بزرگ ارزیابی نموده‌اند. بر این اساس وی نتیجه این سیاست را تنش گسترده با کشورهای همسایه و تبدیل برخی از آنها همچون آذربایجان را به تهدیدی علیه منافع جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کند. آقای روحانی در همین زمینه بیان می‌دارند: «سایر همسایگان شمالی هم با درک شرایط ایران و استفاده از موقعیت، به تقویت روابط خود با غرب پرداخته و با درجات مختلف از ایران فاصله گرفته‌اند تا مبادا رابطه آنها با غرب دچار مخاطره شود. در میان آنها، جمهوری آذربایجان، بدون اغراق، به خطر امنیتی برای ایران تبدیل شده است» (سیاست خارجی دکتر حسن روحانی، ۱۳۹۲).

بنابراین یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی آقای روحانی، بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشورهای عربی است. در همین زمینه، آقای روحانی در پاسخ به سوال خبرنگار شبکه الجزیره درباره رابطه با عربستان، بیان داشتند: «قبله مسلمانان در عربستان است و در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی برای نخستین بار در طول تاریخ، وی به نمایندگی از ایران قراردادی امنیتی با عربستان سعودی را به امضا رسانده است». در این راستا به نظر می‌رسد با روی کار آمدن دولت یازدهم، کشورهای عربی نیز تجدیدنظری در روابط خود با ایران داشته باشند. ضمن اینکه آقای حسن روحانی از نزدیکان آقای هاشمی رفسنجانی محسوب می‌شود و دستگاه سیاست خارجی و افراد فعال هر دو آنها به نوعی روابط خوبی را با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه عربستان دارند. بر این اساس به احتمال زیاد گشایش‌هایی در روابط ایران و عربستان و در نتیجه با توجه به تاثیرگذاری عربستان در جهان عربی، با سایر کشورهای عربی صورت خواهد گرفت. از سوی دیگر می‌توان انتظار داشت که بهبود روابط ایران

با کشورهای عربی، به کاهش تنش‌هایی که در منطقه وجود دارد کمک کند. از جمله روابط ایران و عربستان می‌تواند به کاهش بحران در کشورهای همچون عراق و لبنان و سوریه کمک کند (استقبال غرب از گفتمان سیاست خارجی روحانی، ۱۳۹۲).

۶-۳ متوازن نمودن رابطه با چین

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین، رابطه نامتوازن با چین در چارچوب سیاست خارجی نگاه به شرق است. در این راستا، بسیاری بر این باورند که طی چند سال گذشته، رابطه ایران و چین از دایره توازن خارج شده است و دولت چین با استفاده از شرایط بین‌المللی متشنج ایران، عملاً در حال بهره‌برداری یکجانبه از ایران است. در این زمینه به گسترش واردات گسترده از چین اشاره می‌شود که بخشی از تولید داخلی ایران را از بین برده و سایرین را تحت فشار گذاشته است. همچنین به قراردادهای یکجانبه اقتصادی بین دو کشور اشاره می‌شود که طی آنها دولت چین امتیازات گسترده‌ای از ایران گرفته است. ضمن اینکه دولت و شرکت‌های چینی علی‌رغم انتقادات به موضع آمریکا، عملاً با تحریم‌های یکجانبه همراهی کرده‌اند و آنگونه که ایران انتظار داشته و دارد عمل نمی‌کنند. در این راستا انتقاد از رابطه نامتوازن با چین یکی از محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین و همچنین یکی از محورهای مورد اجماع کاندیداهای ریاست جمهوری از جمله آقای روحانی بود. آقای روحانی پس از انتخابات نیز یکبار دیگر به این موضوع اشاره نمودند و در پاسخ به سوالی در این رابطه بیان داشتند: «در رابطه با چین نکاتی وجود دارد» (<http://www.asriran.com/fa/news/280496>).

نتیجه‌گیری

امروزه بیشتر کارشناسان و اساتید حوزه توسعه بر این باورند که دولت نیروی محرکه توسعه است؛ دولتی که دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد که می‌توان آنرا دولت توسعه‌گرا نامید. وظیفه اصلی دولت توسعه‌گرا فراهم نمودن شرایط و فضا برای رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و بین‌المللی است. همان‌گونه که گفته شد، در عرصه داخلی قبل از هر چیز باید اجماعی بین نخبگان در زمینه توسعه، مفهوم، مسیر و آینده آن وجود داشته باشد. به عبارت دیگر بین نخبگان اجرایی و علمی می‌بایست اجماعی در ارتباط با هدف، مسیر و در نهایت برنامه‌ها وجود داشته باشد. واقعیت این است که تنها در این حالت است که می‌توان انتظار داشت که تمامی انرژی یک کشور در مدت زمان مشخص، صرف توسعه کشور شود و با تغییر دولت‌ها تغییری در برنامه‌ها و اهداف ایجاد نشود. اما در عرصه بین‌المللی، مهم‌ترین مسئله و وظیفه دولت توسعه‌گرا، ارائه و معرفی هویتی صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز از کشور است. در این زمینه کشوری که قصد دارد فرایند رشد و توسعه را خیلی سریع طی نماید، می‌بایست قبل از هر چیز هویتی از خود ارائه کند که دیگران رشد و توسعه آن را به عنوان یک تهدید در نظر نگیرند. تنها در این صورت است که سایر کشورها عملاً با تعامل و گسترش روابط، عملاً به تحقق اهداف آن کشور کمک می‌کنند. بر این مبنا، می‌بایست اقدامات و سیاست‌هایی در زمینه‌های همچون تنش‌زدایی، اعتمادسازی، بهبود چهره و اعتبار در اولویت قرار گیرد تا عملاً سیاست خارجی در راستای ارائه هویتی صلح‌طلب و مسالمت‌آمیز قرار گیرد.

بر اساس شواهد و قرائن موجود، به خصوص آثار، عملکرد و سخنرانی‌های آقای روحانی، دولت یازدهم بیشترین نزدیکی را با چنین دولتی

خواهد داشت. در این زمینه می‌توان به سیاست اعلامی و تلاش‌های آقای روحانی برای ایجاد وفاق ملی و اجماع و استفاده از همه نخبگان از همه طیف‌ها در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور، طرح ایده تعامل سازنده با جهان با محورهای همچون تنش‌زدایی، اعتمادسازی، شفافیت و بهبود چهره و اعتبار اشاره نمود. ضمن اینکه آقای روحانی با طرح این موضوع که باید رشد و توسعه اقتصادی در اولویت قرار گیرد و برای این کار باید با تمامی کشورهای جهان به خصوص کشورهای پیشرفته تعامل داشت، عملاً به وظایف و اهداف یک دولت توسعه‌گرا اشاره نموده‌اند. همچنین تاکید ایشان در جهت تلاش برای حل و فصل مسأله‌های امنیتی برای ایجاد فضای مناسب رشد و توسعه اقتصادی کشور است. در نهایت یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی آقای روحانی، بهبود روابط با اروپایی‌ها، مذاکره با آمریکا و ایجاد توازن در رابطه با چین است؛ که این اقدامات نیز با هدف تقویت هویت صلح‌طلب ایران، دوری از جوء امنیتی و در نتیجه ایجاد زمینه و فرصت برای اقتصاد کشور صورت می‌گیرند. به هر حال بخش مهمی از تکنولوژی‌ها، سرمایه‌ها و تجربیات در اختیار کشورهای پیشرفته است، که تنها با تعامل سازنده می‌توان آنها جذب و در راستای منافع و قدرت ملی از آنها استفاده نمود؛ کاری که عملاً بسیاری از کشورهای همچون کره، چین و سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی انجام داده‌اند و از ثمرات آن بهره‌برداری نموده‌اند. با توجه به تمامی این شواهد و دلایل، می‌توان سیاست خارجی آقای روحانی را «سیاست تعامل سازنده با جهان در چارچوب ایده دولت توسعه‌گرا» نامید.

منابع

«استقبال غرب از گفتمان سیاست خارجی روحانی» (۱۳۹۲)، قابل دسترس در:

<http://www.drrohani.com/310->

اسلامی، مسعود(خرداد و تیرماه ۱۳۸۶)، «وجهه بین‌المللی ایران و انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۷-۱۱۸.
«انتقاد شدید دکتر حسن روحانی از سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد» (۱۳۹۲)، قابل دسترس در:

<http://hasanrohani-ir.blogfa.com/post/33/>

ترابی، قاسم(الف)(۱۳۸۸)، «تعامل توسعه و سیاست خارجی»، مجموعه مقالات همایش داخلی چشم‌انداز خاورمیانه در دهه آینده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.

ترابی، قاسم(ب)(۱۳۸۸)، «موارنه تهدید: موازنه قوا یا اتحاد با طرف تهدید کننده»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۷۴.
«تغییراتی احتمالی که روحانی در سیاست خارجی خواهد داد» (۱۳۹۲)، قابل دسترس در:

<http://www.asriran.com/fa/news/280496>

«راهبرد کلان سیاست خارجی دولت تدبیر با تفاهم و اجماع ملی براساس اصول سه‌گانه» (۱۳۹۲)، قابل دسترس در:

<http://tehranpress.com/fa/news-details/9613/>

روحانی، حسن(الف)(۱۳۸۵)، حسن، سخنرانی آقای روحانی، «ثروت ملی یا قدرت ملی»، اولویت با کدام است، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/center.aspx?lng=fa&abtid=04&&semid=272>

روحانی، حسن(ب)(۱۳۹۱)، «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم.

روحانی، حسن(ج)(۱۳۸۵)، سخنرانی آقای روحانی، «توسعه نباید در سطح آرزو باقی بماند»، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/center.aspx?lng=fa&abtid=04&&semid=266>

روحانی، حسن (د) (۱۳۹۱)، و دیگران، «امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ ششم.
روحانی، حسن (ه) (۱۳۸۳)، مصاحبه مطبوعاتی و رایو تلویزیونی آقای دکتر روحانی، «خط قرمز؛ فناوری سوخت، بارویکرد تعامل موثر پیش می‌رویم»، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/center.aspx?lng=fa&abtId=04&&semid=277>

«سیاست خارجی دکتر حسن روحانی»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (۱۳۹۲)، قابل دسترس در:

<http://peace-ipsc.org>

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۶)، «چین و آمریکا؛ از مذاکره تا رابطه»، قابل دسترس در:

<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&depId=44&semid=933>

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، قابل دسترس در:

<http://www.parsbook.org/1388/03/ghanoon-asasi-iran-pdf.html>

«گزیده‌ای از گفت‌وگوی دیپلماسی ایرانی با حسن روحانی»، ۱۳۹۲، قابل دسترس در:

<http://www.drrohani.com/310->

لارسون، توماس، و اسکیدمور، دیوید (۱۳۹۰)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب‌دردت و ثروت»، ترجمه: احمد ساعی و دیگران، تهران، نشر قومس، چاپ پنجم.

مشیرزاده، حمیرا (پائیز ۱۳۸۳)، «سازهانگاری به‌عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵.

هادیان، ناصر (زمستان ۱۳۸۴)، «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴.

هوپوف، تد (بهار ۱۳۸۶)، «نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل»، در: لینکلتر، اندرو، نو واقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ترجمه:

علیرضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- Amsden, A, (1989) *Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization*, Oxford: Oxford University Press.
- David. N. Balaam (1996), *Introduction to International Political Economy*, Prentice – Hall Press.
- Holsti, John (Jan-Feb 1983), “Confidence Building Measures: A conceptual Framework”, *Survival*, 25.
- Jung-EnWoo (1991), *Race to the Swift: State and Finance in Korean Industrialization* (New York: Columbia University Press).
- Kayhan Barzegar (2008), “Iran's foreign Policy in Post – invasion Iraq”, *Middle East Policy*, vol. xv, No. t.
- Kirişçi, Kemal (2009) “The Transformation of Turkish Foreign Policy: The Rise of the Trading State”, *New Perspectives on Turkey*, No. 40.
- Mkandawire, T. (1998) “Thinking about Developmental States in Africa”, Paper presented at UNU-AERC Workshop on ‘Institutions and Development in Africa’, UNU, Tokyo.
- Öniş, Ziya (1991), “The Logic of the Developmental State”, *Comparative Politics*, Vol. 24, No. 1 (Oct., 1991), at: faculty.washington.edu/acs22/.../Onis_Logic_of_Developmental_State.pdf
- Pour-Ahmadi, Hossein and Mohseni, Sajad (Summer 2012), “The Obama and Securitization of Iran's Nuclear Energy Program”, *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 3, No. 2.
- V. Fritz and A. Rocha Menocal (2006), “(Re) building Developmental States: From Theory to Practice”, Overseas Development Institute, 111 Westminster Bridge Road London, at: www.odi.org.uk/resources/docs/2328.pdf
- Wade, Robert (2003), *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*, 2nd ed. (Princeton, N.J.: Princeton University Press, 2003), preface.
- Wendt, A (1992), “Anarchy is what state Make of it”, *International Organization*, 46, 2 c springs.
- Wolff, Stefan (2012), “Confidence-building Measures An Overview of Elite-level Options”, at: www.stefanwolff.com/files/Confidence-building%20Measures.pdf

سیاست خارجی دولت حسن روحانی... / ۱۶۱

Wong, Joseph (2004), “the Adaptive Developmental State in East Asia”, *Journal of East Asian Studies*, 4 345–362.

